

در مذمت لجبازی



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا خواجه‌ری
عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی

امامان معصوم^(ع) برای ما آموزه‌های بسیاری دارند. با مراجعه به احادیث نقل شده از ایشان، می‌توانیم به‌زندگی خودسامان دهیم و مطابق آموزه‌های آن حضرات، سعادت دنیوی و اخروی را به‌خودمان هدیه کنیم. مراجعه به این متون و سخنان گهربار، روز و ماه خاصی نمی‌شناسد اما در بعضی ایام، رجوع به ائمه^(ع) و مرور صحبت‌ها و سیره زندگی ایشان، اهمیت بیشتری می‌یابد. یکی از این ایام، روزهای پربرکت میلاد بزرگان است که می‌توانیم درکنار ادعیه و اعمال و زیارت ایشان بر آگاهی و شناخت خویش نیز بیفزاییم. امروز میلاد باسعادت امام‌های^(ع)، فرزند امام‌جواد^(ع)، است. به همین مناسبت به شرح حدیثی از ایشان پرداخته‌ایم.

امام‌های^(ع) در نفی لجبازی فرموده‌اند: «الجاحجه مَسْلُوبَةٌ لِلشَّلَامَةِ وَ مُؤَدِّيَةٌ إِلَى الْكُدَامَةِ، لِحَاجَتِ، سَلَامَتِی را زایل و از انسان سلب می‌کند و سرانجام، انسان را پشیمان و دچار ندامت می‌کند.، (نزهه‌النظر وتنبيه‌الخطا للحلوانی در قرن پنجم هجری، ص ۱۴۰). لجبازی چیست و آثار آن چه است و در اخلاق اسلامی چه وضعی دارد؟ پافشاری و اصرار بر دلیل فرد بر روی افکار و تصمیم‌هایش، لجبازی نام دارد. فرد لجباز از موضع خود کنار نمی‌کشد و خواستار اجرا شدن تصمیم‌هایش است و دلیلی هم برای این مقاومت ندارد. فقط می‌گوید:

دلم می‌خواهد و من مخالف هستم یا من موافق هستم.

لجبازی با مصمم بودن فرق دارد؛ چون انسان مصمم با فکر و قدرت، می‌خواهد به هدف مثبتی برسد و با شناخت و اندیشه و آرمان و اراده کار می‌کند. پایداری و استواری در راه حق و برای رسیدن به هدفی منطقی و مقدس، لجبازی نیست. لجبازی نوعی واکنش و رفتار نامطلوب و تصمیم بر خطا و اجرای باطل و یک صفت ردیله اخلاقی و بیماری است.

انسان برای جلب توجه و از روی خصومت و عقده حقارت و عناد و تلافی کار دیگران و نداشتن عزت نفس و کمبود اعتمادبه‌نفس و صرفا براساس هوای نفس و نداشتن بینش و اراده درست، لجبازی می‌کند. در اخلاق اسلامی، لجبازی زشت و ناپسند است و همواره نکوهش شده است. لجبازی خطر‌ها و زیان‌های فراوانی دارد. در احادیث اهل بیت^(ع) پیامدهای منفی لجبازی بیان شده است.

امام دهم^(ع) در حدیثی که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، پیامدهای لجبازی را بیان فرموده‌اند، لجبازی سلامت روان و تندرستی انسان را به خطر می‌اندازد. لجبازی بیش از آنکه بر دیگران اثر منفی بگذارد، خود لجباز را گرفتار می‌کند و بر جان و بدن و روح او اثر تخریبی و منفی می‌گذارد. لجبازی، واکنش و رفتاری خطرناک برای سلامت لجباز است.

پایان لجبازی هم ندامت است؛ چون در لجبازی و یک‌دندگی و ستیزه‌جویی و سرسختی کردن و پافشاری و اصرار بر کار نادرست، هیچ سودی نیست و لجبازی هیچ منفعتی ندارد. ناچار در پسا لجبازی همواره پشیمانی پدیدار می‌شود. لجبازی سن خاصی ندارد و از کودکی تا سالمندی در آدمیان جریان دارد. انسان باید دلایل لجبازی را بیابد و با خودسازی و تهذیب و تزکیه نفس و کنترل گفتار و رفتار خویش، ریشه‌های این عارضه را در خود بچشکند تا آسایش و آرامش یابد. مردم، افراد لجباز را دوست ندارند و لجباز در نزد عموم مردم منفور است. انسان با پای بندی به رفتار و گفتار منطقی و دوری از خودخواهی و خودرایی و با پذیرش انتقادهای سالم دیگران، از لجبازی نجات می‌یابد.

بیرس و بدان

حکم سخن بیهوده

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم‌داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۷۲۸۹-۳۰۰۰ با ما در میان بگذارید.

● با عرض سلام. در آیه‌۵۵ سوره قصص آمده است: «هرگاه سخن لغو و بیهودهای بشنوند، از آن روی می‌گردانند». منظور از لغو چیست؟ مگر لغو و بیهوده‌گویی، حرام است که در آیه این‌گونه آمده است؟ چون هر سخن لغو یا هرکار بیهوده و لغوی که حرام نیست.

پاسخ اجمالی

پروردگار حکیم، انسان را از گفتاری که هیچ سود و بهره‌ای برای او ندارد، برحذر می‌دارد و در قرآن کریم، آدمیان را از بیهوده‌گویی نهی می‌کند، به‌گونه‌ای‌که شنیدن سخنان لغو را عامل بازدارنده آدمی از کمال می‌شمارد و دوری از بیهوده‌گویی را نشانه کرامت انسان می‌داند و می‌فرماید: «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِی الْجَاهِلِینَ، و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن خودتان. سلام بر شما! ما خواهان جاهلان نیستیم». (قصص: ۵۵).

این گونه افراد، به سخنان بیهوده و گزاف گوش نمی‌دهند و ارزش وقت خود و دیگران را به‌خوبی می‌دانند و در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند. اینان از عمر گران‌مایه و فرصت‌های زندگی بهترین استفاده‌ها را می‌برند تا حسرت و پشیمانی دامن گیرشان نشود.

لغت‌شناسان در معنای لغو می‌گویند: کلام لغو چیزی است که فایده‌ای در آن نباشد و آن سخنی است که بدون فکر و رویه صادر شود.

کارهای لغو از نظر دین، اعمال مباح و حلالی است که صاحبش در آخرت یا در دنیا از آن سودی نمی‌برد و سرانجام آن، منتهی به سود آخرت نیز نمی‌شود، مانند خوردن و آشامیدن، تنها به انگیزه شکم‌پارگی که کاری لغو است؛ چون هدف از خوردن و نوشیدن، گرفتن نیرو برای اطاعت و عبادت خدا و قدرت گرفتن برای انجام کارهای روزمره است، بنابراین اگر کار انسان هیچ سودی برای آخرت او نداشته باشد و سود دنیایی‌اش هم سرانجام منتهی به آخرت نشود، چنین کاری لغو است. خدای متعال در ویژگی‌های مؤمنان نفرمود که آنان به‌طورکلی لغو را ترک می‌کنند، بلکه فرمود از آن اعراض و دوری می‌کنند، زیرا هراسانی هرقدر هم که باایمان باشد، باز در معرض لغزش و خطاست و خداوند هم لغزش‌های غیر از گناهان کبیره را، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود، بخشیده و فرموده است: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُذَلِّلْكُمْ مَذَلًّا کریمًا.

به همین دلیل خدای متعال، مؤمنان را به این صفت ستوده است که از لغو اعراض می‌کنند و اعراض غیر از ترک به تمام‌معناست. ترک، امری عدمی است و اعراض امری وجودی. اعراض وقتی است که محرک و انگیزه‌ای، آدمی را به‌سوی اشتغال به فعلی بخواند و آدمی از آن روی‌گردانده، به‌کاری دیگر بپردازد و اعتنای چندانی به آن کار نکند و لازم‌ه‌اش، آن است که نفس آدمی، خود را بزرگ‌تر از آن بداند که به کارهای پست اشتغال ورزد و بخواهد همواره از کارهای منفای با شرف و آبرو چشم پوشیده، به کارهای بزرگ و مقاصد والا بپردازد.

البته لغو تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی‌شود، بلکه افکار بیهوده و بی‌پایه‌ای که انسان را از یاد خدا غافل و از تفکر در آنچه مفید و سازنده است به‌خود مشغول می‌کند، همه در مفهوم لغو جمع است.

درواقع مؤمنان آن چنان ساخته شده‌اند که نه‌تنها به اندیشه‌های باطل و سخنان بی‌اساس و کارهای بیهوده دست نمی‌زنند، بلکه به تعبیر قرآن از آن روی‌گردانند و وقت خود را عزیزتر از آن می‌دانند که حتی لحظه‌ای از آن را بیهوده مصرف کنند و سودی عاید آنان نشود.

به عبارت دیگر، ویژگی انسان مؤمن آن است که تا می‌تواند، به فعالیت‌هایی مشغول شود که سود معنوی یا مادی حلال را برای او به‌دنبال داشته باشد و تلاش می‌کند تا حد امکان به‌دنبال کارها و سخنان بیهوده نباشد.

بررسی شیوه و روش امامت حضرت هادی^(ع) در مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین ریاضت

در خط خدا

آمنه مستقیمی/ نام مبارک ایشان علی است و در بسیاری از متون ذکر شده است که در منطقه مسکونی صریا متولد شدند و زمین را با قدوم متبرک خود زینت بخشیدند. مادرشان بانوی فاضله «سمانه مغربیه، است و پدر بزرگوارشان، امام بخشش و سخاوت، جوادالائمه^(ع). رهبر معظم انقلاب درباره ایشان می‌فرمایند: «امام هادی و امامان دیگر علیهم‌السلام، همه در این خط حرکت کرده‌اند که حاکمیت خدا را، حاکمیت قانون الهی را، بر جامعه‌ها حکومت بدهند. تلاش‌ها شده است، جهادها شده است، زجرها کشیده شده است، زندان‌ها و تبعیدها و شهادت‌های پرثمر و پرپرا در این راه تحمل شده است.، به‌مناسبت فرارسیدن سالروز ولادت امام‌های^(ع) و به‌منظور بررسی بابی که ایشان در اعتقاد و التزام به ولایت برای شیعیان گشوده‌اند، با حجت‌الاسلام والمسلمین محمود ریاضت، کارشناس و خطیب مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چرا هادی‌الائمه^(ع)؟

همه ائمه^(ع) نقش هدایت و ارشاد جامعه به‌سمت حق و حقیقت را برعهده دارند اما امام‌های^(ع) به‌دلیل محدودیت‌های زمانی و مکانی که خلفا در حق ایشان اعمال می‌کردند و دسترسی نداشتن شیعیان به امامان، مجبور به به‌کارگیری شیوه‌ای متفاوت شدند. آن حضرت روی نقطه اصلی معارف دینی یعنی امامت و ولایت دست گذاشتند، بنابراین در سیره عملی امام‌های^(ع) می‌بینیم که حضرت در برخی مواضع بسیط و عمیق، موضوع ولایت و امامت را بیان کرده‌اند، همچون زیارت جامعه‌کبیره و زیارت غدیریه امیرالمؤمنین^(ع) و در برخی مواضع.

عملا در این‌باره اقدام کرده‌اند، چنان که در مقابل آن‌ها که مدعی امامت یا فرزندی ائمه^(ع) بودند، چنین برخوردی می‌کردند و ما این بعد از حیات ایشان را نادیده گرفته‌ایم.

نقل است در زمان امامت امام‌های^(ع) خانمی مدعی شد که حضرت زینب^(س) و فرزند امیرالمؤمنین^(ع) است که مدتی غایب بوده و اکنون مأمور به ظهور و امامت است. این خانم با این ادعای گزاف، مریدانی یافته بود و کارهای خارق‌العاده‌ای هم در این زمینه انجام می‌داد. تاجایی‌که حتی دستگاه خلافت هم مقابل او مستأصل ماند و با وجود دشمنی با حضرت هادی^(ع) برای رفع مشکل به ایشان متوسل شد. امام‌های^(ع) فرمودند: «بدن فرزندان‌ی که به‌طور مستقیم از ذریه حضرت زهرا^(س) هستند و نسبتشان به ایشان و حضرت امیر^(ع) می‌رسد، بر وحوش و درندگان حرام است. اگر این خانم واقعا از ذریه فاطمه^(ع) است، او را مقابل درندگان ببندازید تا ثابت شود، این جمله تا آن زمان

السَّلَامُ عَلَیْكَ

يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

الرَّكْبِي الرَّاشِدَ النُّورَ الثَّاقِبَ

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

درسی که هادی‌الامم^(ع) به ما دادند

ما حرف خوب می‌زنیم، اطعام می‌دهیم، جشن می‌گیریم، اما چه اندازه از اهداف و معارف غدیر را تبیین و نهادینه می‌کنیم؟ اینکه بر اطعام غدیر این‌قدر تأکید شده است، فقط برای غذا نیست. قبیلش این است که حاضران به غایبان برساند که حقیقت دین به ولایت است و حقیقت ولایت به عمل ولایی است. امثال ابوذر و عمار به‌ساده‌ترین کلام با امیرالمؤمنین^(ع) بیعت کردند اما در عمل، ولایت‌پذیری خود را به منصفه ظهور گذاشتند، درحالی‌که آن‌ها که در غدیر گرم‌ترین تبریک‌ها را به امیرالمؤمنین^(ع) گفته‌بودند، پس از رحلت پیامبر^(ص) ولایت حضرت را غصب کردند.

تأکید امام‌های^(ع) بر عمل به حرف‌هایی است که می‌گوئیم؛ چنان که خود حضرت به قفس شیرها رفتند و پای حرفشان ایستادند. حضرت هادی‌الائمه^(ع) به ما یاد می‌دهند که چطور پای ولایت بایستیم.

امام‌های^(ع) به‌ما آموختند که اگر می‌گوییم «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي مَحِيَا محمد و آل محمد^(ص)، باید در عمل نیز این سبک از زندگی را اجرا کنیم؛ چنان‌که ائمه^(ع) از حضرت زهرا^(س) الگومی گرفتند. از امام‌زمان^(ع) است که فرمودند: «در دختر رسول خدا^(ص) برای من اسوه‌ای حسنه است، پرسش مهم آن است که ما به‌عنوان محبان و شیعیان در الگوگیری از سبک زندگی حضرات معصوم^(ع)، چقدر حاضریم شبیه‌آن حضرات زندگی کنیم؟ حضرت امیر^(ع)، حضرت زهرا^(س)، حسنین^(ع) و زینب^(س) و فقه در خانه‌ای هفده‌متری زندگی می‌کردند. چند نفر از ما شیعیان حاضر به زندگی در چنین فضایی هستیم؟

اگر ۲۰ درصد زیارت‌عاشوراخوان‌ها به زیارت عاشورایی که می‌خوانند عمل کنند، بسیاری از مشکلات ما برطرف می‌شود،

۲امیراث امام‌های^(ع)

کلام اهل‌بیت^(ع)، قرآن صاعد است. پیوستگی قرآن و عترت در این زیارت را امام‌های^(ع) به‌خوبی تبیین فرموده‌اند و این فرمایش پیامبر^(ص) که قرآن وعترت ازهم جدایی‌ناپذیر هستند، در این زیارت به‌خوبی آمده است. ما قرآن مجید را می‌خوانیم تا به‌ثواب آن دست یابیم، اما از همین بیش از هفتاد آیه‌ای که امام‌های^(ع) در این زیارت آورده‌اند، غافلانہ می‌گذریم، درحالی‌که قرآن، کتاب آخرت نیست، بلکه دستورالعمل زندگی دنیاست. امام‌های^(ع) در زیارت غدیریه، راه عملیاتی کردن قرآن را به ما می‌آموزند. امام‌صادق^(ع) فرمودند: «آیات و‌سور قرآن، حفظ‌اما راهکارهای عملیاتی‌آن ضایع می‌شود، چنان‌که بانکداری ما ربوی است و برای قرض‌الحسنه، دیرکرد گرفته می‌شود.

جامعه کبیره می‌خواهد اعتقاد به ولایت را در ما عملیاتی کند. امام‌های^(ع) زیارت‌جامعه‌را برای خواندن در حرم‌ها انشا‌نکرده‌اند، این‌ها برای تبیین در عمل است. بالاترین جهاد، جهاد در عمل است. جهاد لسانی هم ثواب دارد، اما اصل با عمل‌گرایی است، مثل ایستادن در مقابل دشمن تا پای جان. وگرنه صرف گفتن از خوبی جهاد، دردی از ما دوا نمی‌کند. ما همه چیز را به‌زبان محصور کرده‌ایم؛ مثل جهاد لسانی، شکر لسانی...ولی در عمل مشکل داریم. امام‌های^(ع) دومیراث زیارتی را انشا کردند تا ما عمل‌گرا باشیم.

در فرازهای پایانی زیارت جامعه کبیره، خطاب به امام معصوم^(ع) می‌گوییم: «يَا وَلِيَّا...! إِنَّ نِيَّتِي وَ بَيْتِي... عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَاتِي عَنْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ؛ یعنی ما در عمل دچار مشکل هستیم. خدا از ما راضی نمی‌شود، مگر اینکه شما(امام معصوم) از ما راضی باشید». امام‌های^(ع) به ما یاد می‌دهند که توبه کنیم و کمک بخواهیم تا دیگر سراغ گناه نرویم و آن حضرات شفیع ما شوند.